

Trust as a Foundation of Equality (in Nā'īnī's Thought)

Received: 2022/02/09 Accepted: 2022/05/13

Fardin Moradkhani¹

Marziyeh Sadeghiyan²

The present research aims to study the notion of trust as a foundation of equality in the views of Nā'īnī. In his portrait of a just government (or in his words, guardianship monarchy [*salṭanat wilāyatiyya*]), Nā'īnī gives a central role to trust (*amāna*) in all affairs, and hence, he applies this jurisprudential principle, which was mostly applicable to private law, to the domain of public law. He deployed notions of private law in the domain of public law in order to prepare the minds of people at the time for embracing new concepts. Nā'īnī believed that government was a trust, rulers were trustees, and people were trustors. The method of this research is descriptive-analytic, and our findings show that Nā'īnī assigned an equal role and right to all members of the society (as trustors) in his view of government as trust. As a result, governments are required to observe such equality for the citizens in political and social affairs.

Keywords: Nā'īnī, trust, equality, government, constitutional government, citizen rights, public law.

1. Associate professor, College of Literature and Humanities, Bu-Ali Sina University, Hamadan, Iran (corresponding author)(f.moradkhani@basu.ac.ir)

2. PhD student, Public Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran (mrz.sadeghiyan@gmail.com)

امانت، مبنایی برای برابری (با تأکید بر اندیشه محقق نائینی)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۲۰

تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۲/۲۳

۱ فردین مرادخانی

۲ مرضیه صادقیان

امانت، مبنایی برای برابری (با تأکید بر اندیشه محقق نائینی)

هدف پژوهش حاضر بررسی مفهوم امانت، به عنوان مبنایی برای برابری، با تأکید بر اندیشه محقق نائینی است. نائینی در ترسیم حکومت عادلانه (به تعبیر ایشان: سلطنت ولایتیه)، با محور قراردادن امانت در جمیع امور، این اصل فقهی را که بیشتر در حقوق خصوصی کاربرد داشته است، در حوزه حقوق عمومی مطرح می‌کند. وی تلاش کرد تا با به کارگیری مفاهیم حقوق خصوصی در حقوق عمومی، اذهان مردم زمان خود را برای پذیرش مفاهیم جدید آماده کند. نائینی حکومت را به مثابه امانتی می‌دانست که از جانب مردم به حاکم سپرده شده است. روش پژوهش توصیفی - تحلیلی است و نتایج نشان داد که نائینی در امانت دانستن حکومت برای همه افراد جامعه - در سپردن چنین امانتی - جایگاه برابر و حقی یکسان قائل است؛ در نتیجه حکومت نیز ملزم به رعایت این برابری برای شهروندان در امور سیاسی و اجتماعی می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: نائینی، امانت، برابری، حکومت، مشروطیت، حقوق شهروندی، حقوق عمومی.

۱. دانشیار، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران (نویسنده مسئول)
(F.moradkhani@basu.ac.ir).

۲. دانشجوی دکتری، حقوق عمومی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران (mrz.sadeghiyan@gmail.com).

فقها از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین افراد در طول تاریخ اسلامی ایران، به‌ویژه در دوران مشروطیت و پیش از آن بوده‌اند و می‌توان ایشان را از جمله مهم‌ترین ارکان و عوامل پیروزی مشروطیت برشمرد. احمد کسروی دربارهٔ سهم علما در پیروزی مشروطه معتقد است: «این نکته را نباید فراموش کرد که مشروطه را در ایران علما پدید آوردند. در آن روزها که در ایران غول استبداد درفش افراشته، کسی را یارای دم‌زدن نبود، تنها علما بودند که دل به حال مردم سوزانیده، گاهی سخنانی می‌گفتند. نمی‌گویم دیگران چیزی نمی‌فهمیدند، می‌گویم یارای دم‌زدن نداشتند. شماره‌های حبل‌المتین را بخوانید. در آن زمان که تودهٔ انبوه در بستر غفلت خوابیده و هرگز کاری به نیک و بد کشور نداشت، در بسیاری از شهرها علما پیش‌قدم گردیدند، بنیاد مشروطه را علما گذاردند.» (کسروی، ۱۳۵۶، ص. ۱۰۶)



در میان فقها، برخی تأثیر به مراتب عمیق‌تری بر روند مشروطه‌خواهی داشته‌اند که از جمله ایشان می‌توان به مرحوم محقق نائینی اشاره کرد که با بنا نهادن شالوده یک نظام مشروطه اسلامی بر پایه عقل و سنت فقهی، اندیشه‌های دقیق خود را در کتاب تنبیه الامه و تنزیه المله بیان نمود. این کتاب نائینی را می‌توان یک درسنامه فقه سیاسی شیعه قلمداد کرد (قربی و رفیع، ۱۳۸۸) که در خلال آن نائینی تلاش کرد با استناد باورهای سیاسی موردنظر خود به منابع فقهی، توجیهاات و توضیحات متناسب و مقتضی آن را بیان نماید؛ البته در این مسیر، از به‌کارگیری عقل و موجهاات عقلی نیز غافل نماند. این نوشتار به دنبال تبیین و واکاوی مفهوم امانت، به‌عنوان یک مفهوم فقهی، در منظومه فکری مرحوم نائینی است، اما نائینی با ظرافت تمام این مفهوم را در چارچوب نظریات سیاسی خود و برای ترسیم حقوق عمومی مطلوب خویش به‌کار گرفته‌است.

امانت یکی از مهم‌ترین مفاهیمی است که از دیرباز مورد توجه فقهای اسلامی بوده‌است و احکام و آثار متعددی برای آن برشمرده‌اند. مال امانی، امانت‌گذار و امانت‌گیرنده (امین) سه رکن اساسی امانت هستند؛ امین موظف به بهترین نگهداری از مال امانی است و نباید در حفظ و نگهداری آن دچار تعدی و تفریط شود، در غیر این صورت از مقام امانت منحل خواهد بود. بنابراین از جمله مهم‌ترین احکام و آثار مترتب بر امانت، وجوب حفظ و بازگرداندن امانت به‌عنوان یک حکم عام و کلی است و همه امانت‌ها اعم از مادی و معنوی و تمام افراد اعم از مسلمان یا کافر و نیکوکار یا فاسق را

شامل می‌شود؛ از این جهت تفاوتی میان امانت‌گذاران وجود ندارد. براین اساس امانت را هم در امور مادی و هم در امور معنوی مطرح می‌کنند. از جمله مهم‌ترین امانت‌های معنوی، حکومت حاکمان است که گفته می‌شود عاریتاً در دست حاکمان قرار دارد و بدین خاطر آنان ملزم به رعایت امانت در عرصه حکمرانی هستند. یکی از فقهایی که بحث امانت را در حوزه حکومت و حقوق عمومی مطرح می‌کند محقق نائینی است که اساس حکومت مطلوب را پس از تقسیم آن به دو نوع مطلوب (ولایتیه) و نامطلوب (تملیکیه)، بر امانت قرار داده‌است و به تبع، آثار و اقتضائاتی برای آن بیان می‌دارد.

در این نوشتار با بررسی اندیشه محقق نائینی و با تکیه بر مفهوم دولت و حکومت در نظریه ایشان، مفاهیم فقهی استفاده‌شده در حقوق عمومی توسط وی را از نظر می‌گذرانیم؛ سپس ضمن توضیحاتی درخصوص ورود مفهوم امانت به حوزه حقوق عمومی، مفهوم «امانت نوعیه» در اندیشه نائینی را بررسی می‌کنیم که رابطه تنگاتنگی از یک سو با مفهوم «نوع» و از سوی دیگر با مفهوم «برابری» دارد که در نتیجه به عنوان مبنایی برای برابری و مساوات آحاد مردم جامعه به کار برده‌است.

باید توجه داشت که مشروطه‌پژوهی و خصوصاً کاوش در آرا محقق نائینی در سال‌های اخیر نسبت به گذشته بیشتر شده است. در این پژوهش‌ها مسئله مشروطه و اندیشه‌های متفکران آن دوره از منظرهای مختلف سیاسی، تاریخی، فلسفی، فقهی، حقوقی و ... مورد بررسی قرار گرفته‌است.^۱ آنچه پژوهش حاضر را از سایر پژوهش‌ها متمایز می‌کند از یک سو

۱. از جمله منابعی که به عصر مشروطه و اندیشه‌های نائینی توجه داشته‌اند:

- داوود فیرحی در کتاب *آستانه تجدد* از منظر اندیشه سیاسی به تفصیل و شرح کتاب *تنبیه‌الامته و تنزیه‌الامته* پرداخته‌است؛ البته سال‌ها پیش از او، مرحوم طالقانی نیز برای اولین بار این کتاب را شرح داده بود، اما فیرحی بسیار عمیق‌تر و مبسوط‌تر از طالقانی بدان پرداخته بود؛
- عبدالهادی حائری در کتاب *تشیع و مشروطیت در ایران* از منظر تاریخی به بیان نقش و آرا فقه‌های عصر مشروطه در انقلاب مشروطیت پرداخته‌است. وی در فصل سوم تا ششم کتاب شش فصلی خود، اندیشه‌های نائینی را بررسی کرده‌است؛

- کتاب *رسائل مشروطیت* یکی از مهم‌ترین منابع مشروطه‌پژوهی حاوی بسیاری از رسائل عصر مشروطه است. غلامحسین زرگری‌نژاد با تنظیم این کتاب در دو جلد و با گردآوری رسائل هر دو طیف موافقان و مخالفان مشروطه، تحلیل‌هایی نیز ارائه داده‌است. این کتاب به جهت امکان دسترسی به منابع دست اول



در نظر داشتن چارچوب حقوق عمومی در بررسی اندیشه‌های محقق نائینی و واکاوی تاریخ تکوین مفاهیم حقوق عمومی است؛ از این رو نوشتار حاضر از لحاظ رویکردی که نسبت به مشروطه دارد متمایز از سایر پژوهش‌هایی است که در بردارنده رویکردهای غیرحقوق عمومی (سیاسی، فلسفی و ...) هستند. از سوی دیگر، نوآوری پژوهش حاضر در ایجاد پیوند میان مفهوم فقهی امانت با بحث برابری سیاسی است؛ امانت که تا پیش از مشروطه یک مفهوم تماماً فقهی بود، در دوران مشروطه توسط متفکران این عصر - به‌ویژه مرحوم نائینی - در پایه‌گذاری ادبیات سیاسی جدید به کار گرفته می‌شود و به‌عنوان مبنایی برای حکومت مطلوب مطرح می‌گردد. در این نوشتار برای نخستین بار به ارتباط میان مفهوم برابری و امانت توجه می‌شود و امانت به‌منزله مبنای لزوم برابری میان شهروندان، با استمداد از آرا مرحوم نائینی - به‌عنوان یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین فقهای نواندیش - در نظر گرفته شده است.

روش تحقیق در این پژوهش، که پژوهشی بنیادی محسوب می‌شود، توصیفی - تحلیلی و تاریخی است که با استفاده از اسناد و منابع اصلی دوران مشروطه به مطالعه کتب، مقالات و پایان‌نامه‌های فارسی پرداخته شد.

و اصل رسائل مشروطیت حائز اهمیت است.

- جواد طباطبایی در کتاب *حکومت قانون*، موضوع مشروطه و اندیشه‌های متفکران این عصر را از حیث تاریخ اندیشه و تاریخ تحول مفاهیم بررسی کرده است.

- ماشالله آجودانی نیز در کتاب *مشروطه ایرانی* با رویکرد تجددخواهی به بررسی انقلاب مشروطه ایران می‌پردازد و آرا نائینی را نیز از نظر می‌گذراند. او تلاش کرده است که از منظری زبان‌شناسانه و به‌عنوان فردی که در آغاز قرن بیست و یکم زندگی می‌کند به بررسی عصر مشروطه بپردازد.

فریدون آدمیت در کتاب *ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران* از منظر تاریخ روشنفکری به بررسی نهضت مشروطه و متفکران آن پرداخته است.

- فردین مرادخانی در کتاب *خوانش حقوقی از انقلاب مشروطیت ایران* با پرداختن به تاریخ تکوین مفاهیم و نهادهای حقوقی در جریان انقلاب مشروطه، آرا نائینی را در کنار سایر روشنفکران، موافقان و مخالفان مشروطه بررسی کرده است. این اثر به دلیل رویکرد حقوق عمومی نسبت به مشروطه مورد توجه می‌باشد.

البته منابع مشروطه‌پژوهی، مسلماً محدود به موارد پیش گفته نیستند، بلکه این آثار صرفاً به‌عنوان نمونه‌هایی از مهم‌ترین آثار موجود قید شده‌اند.

۲- استفاده از مفاهیم فقهی (حقوق خصوصی) در تبیین مفاهیم حقوق عمومی^۱

دوران قاجار آغاز ورود مفاهیم جدید به ایران بود و یکی از مهم‌ترین چالش‌های پیش‌رو، آشنا کردن عموم مردم با این مفاهیم بود. در این برهه، که ایرانیان در آستانه تجدید قرار داشتند، متفکران سعی می‌کردند مفاهیم نوآیین را به زبان قابل فهم برای عموم بیان کنند تا راه را برای گذر از دوران قدیم و ورود ایران به دوران جدید هموار نمایند. روشنفکران و فقها هر یک به نوبه خود برای رسیدن به مقصود فوق تلاش می‌کردند، اما در این میان، نقش فقها تأثیر به مراتب بیشتری داشت چراکه زبان و بیان آن‌ها برای مردم مأنوس‌تر بود. علاوه بر این دسترسی آنان به میراث و سنت، امکان نظریه‌پردازی ایشان را فراهم‌تر کرده بود.

نائینی از جمله فقیهان مشروطه‌خواهی بود که تلاش می‌کرد مقدمات ورود ایران به دوران جدید را با استفاده از مفاهیم و امکانات فقهی، که به گوش مردم عادی آشنا تر بود، فراهم کند. او برای نیل به این منظور از یک سو از مفاهیم فقه و حقوق خصوصی برای توضیح مفاهیم حقوقی استفاده می‌کرد و از سوی دیگر، تلاش می‌کرد تا مفاهیم حقوق خصوصی را به حوزه حقوق عمومی منتقل کند و در هر دو جنبه بسیار موفق عمل کرده بود. به طور مثال، نائینی برای تبیین مفهوم «قانون اساسی» که یک مفهوم نو و ناآشنا برای مردم آن روزگار بود، از مفاهیم فقهی و آشنای «مقدمه واجب» و «رساله عملیه» استفاده کرد. مقدمه واجب اصطلاحی در اصول فقه است که بیانگر ملازمه عقلی میان وجوب شیء و مقدمه آن است. نائینی نیز «عقد دستور اساسی» یا همان نگارش قانون اساسی را به مثابه مقدمه واجب برای تحدید استیلا و ضبط رفتار متصدیان امر حکومت می‌دانست (نائینی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص. ۴۵۱)؛ بدین معنا که محدود کردن قدرت و اختیارات حاکمان و تعیین وظایف آنان یک امر واجب است و تدوین قانون اساسی نیز از این جهت واجب خواهد بود که مقدمه‌ای برای این امر واجب محسوب می‌شود.

او همچنین برای تشریح مفهوم قانون اساسی از اصطلاح «رساله عملیه» استفاده می‌کند؛ با این توضیح که همان‌گونه که «ضبط اعمال مقلدین در ابواب عبادات و معاملات بدون رسائل عملیه» ممکن نیست، «در امور سیاسیه و نوعیات مملکت» نیز

۱. برای توضیحات بیشتر ر.ک به: مقاله «بسط مفاهیم حقوق خصوصی در حقوق عمومی در انقلاب مشروطه ایران»، فردین مرادخانی، (۱۳۹۷). سیاست نامه، ۳ (۹).



ضبط رفتار متصدیان بدون ترتیب دستور اساسی از ممتنعات خواهد بود (نائینی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص. ۴۴۲)؛ یعنی همان‌گونه که مکلفین در امور فقهی بدون وجود رساله عملیه نمی‌توانند کاری انجام دهند و در همه اعمال خصوصی خویش تابع رسائل عملیه هستند، در حوزه سیاسی نیز حدود وظایف و اختیارات حاکمان و متصدیان امر در قانون اساسی ذکر می‌شود و بدون آن، تکلیف اختیارات و وظایف حاکمان مشخص نیست و در نتیجه نمی‌توان آنها را مورد بازخواست قرار داد.

مفهوم دیگری که نائینی در توضیح آن از امکانات فقهی کمک می‌گیرد، مفهوم حکومت و سلطنت است که یکی از مفاهیم بسیار مهم در حقوق عمومی و نظریه سیاسی به‌شمار می‌رود. ایرانیان شیعه قرن‌ها به‌علت سلطه حکام، به مسئله حکومت نمی‌پرداختند و تنها از دوره صفویه به بعد و با به‌تخت‌نشستن نخستین سلاطین شیعه، فقیهان سعی کردند از نظام سلطانی با ادبیات اهل سنت و نیز برخی وجوه اندیشه ایرانی حمایت کنند (طباطبایی‌فر، ۱۳۹۴؛ فیرحی، ۱۳۸۵). نائینی برای توضیح مفهوم حکومت، از مفهوم فقهی «وقف» استفاده می‌کند و حکومت را به‌مثابه مال موقوفه‌ای در اختیار حاکمان می‌داند که آن‌ها تنها موظف به «تولیت آن در نظم و حفظ موقوفه مشترکه و تسویه فیما بین از باب حقوق و ایصال هر ذی‌حقی به خود»، «نه از باب تمسک دلبخواهانه و تصرف شخص متصدی» هستند (نائینی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص. ۴۳۴). بنابراین همان‌گونه که مال موقوفه مشترک به همه افراد تعلق دارد و هیچ‌کس نمی‌تواند ادعای مالکیت بر آن را داشته باشد، حکومت نیز به همه مردم تعلق دارد که به‌منظور حفظ نظم و اداره مطلوب آن به چند نفر از افراد (که همان حاکمان هستند) به‌عنوان متولیان امر سپرده شده‌است تا تولیت آن را بر عهده گیرند.

آنچه بیش از همه مورد توجه نوشتار حاضر می‌باشد، مفهوم امانت است که نائینی از آن برای پایه‌ریزی حکومت مطلوب خویش استفاده می‌کند. تا پیش از دوران مشروطه و مقدمات آن، حکومت در اختیار مطلق حاکم قرار داشت و حاکم به‌عنوان فعال مایشاء تلقی می‌شد، اما در زمره‌های مشروطه‌خواهی شاهد ورود اندیشه‌های جدید در حوزه حکومت و مطرح‌شدن نقش مردم در کنار نقش حاکمان در امر حکمرانی هستیم؛ مشروطه‌خواهان با استفاده از شیوه‌های مختلفی تلاش کردند تا این نظرگاه جدید را تبیین کنند. نائینی با استفاده از سنت فقهی مورد پذیرش عموم مردم جامعه تلاش کرد تا از برخی عقود فقهی برای توضیح سامان جدید استفاده کند و مسئله دولت و حکومت را به مسئله قراردادهای

انتقال دهد، که از این جهت بسیار شبیه به قرارداد اجتماعی در سنت غربی است. بنابراین نائینی تلاش داشت حکومت را که تا پیش از آن، امری یک‌سویه و مبتنی بر غلبه بود، تبدیل به یک امر دوسویه کند و مردم را نیز در این رابطه طرفینی وارد نماید. عقودی که نائینی بدین منظور از آن‌ها استفاده می‌کند، عقود وقف و امانت هستند. در خصوص عقد وقف توضیحات مختصری پیش از این داده شد و بسط بیشتر این موضوع در چارچوب این مقاله نمی‌گنجد، اما در خصوص عقد امانت نیاز به بسط و توضیح مفصل‌تری است که در ادامه بدان پرداخته خواهد شد.

۳- عقد فقهی امانت و ورود آن به حوزه حقوق عمومی در دوران مشروطه

امانت هم‌چون «امن»، «امان» و «ایمان» مصدر و از ماده «ا م ن» است (راغب اصفهانی، ۱۳۸۱، ص. ۲۵) و برای چیزهایی به کار می‌رود که امانت نهاده شده‌اند (فیومی مقری، ۱۹۸۷، ص. ۱۰). این واژه‌ها با داشتن کانونی واحد، شبکه معنایی واحدی را تشکیل می‌دهند که حصول آرامش و اطمینان خاطر نسبت به چیزی است. امانت در لغت به معنای راستی و درست‌کاری است و در مقابل خیانت قرار می‌گیرد، هم‌چنین به مال یا چیزی که به کسی برای نگه‌داشتن بسپارند نیز امانت گفته می‌شود (معین، ۱۳۸۳، ج ۱، ص. ۳۴۷). در اصطلاح فقهی نیز امانت به همین معنای لغوی آن به کار رفته است.

واژه امانت در منابع اسلامی مفهوم گسترده‌ای دارد. گستردگی معنای امانت و امانت‌داری در تمام زوایای زندگی انسان، بر انواع و مصادیق آن افزوده است. بعضی از نویسندگان (میض، ۱۳۷۹، ص. ۲۹۵) امانت را در یک دسته‌بندی اولیه به مادی و معنوی تقسیم کرده‌اند و با ذکر فروعاتی برای هر قسمت از آن، افزوده‌اند که امانت‌های معنوی به مراتب مهم‌تر از امانت‌های مادی است؛ زیرا امانت‌های مادی، اگر زمانی در معرض خیانت و نابودی قرار گیرد، قابل جبران است، ولی امانت‌های معنوی چندان جبران‌پذیر نیست.

از جمله مهم‌ترین احکام امانت، وجوب حفظ و بازگرداندن امانت است. البته بنابر نص صریح قرآن (نساء، ۵۸؛ بقره، ۲۸۳)، که وجوب ردّ یا بازگرداندن امانت را بیان کرده است، وجوب حفظ و عدم وارد کردن نقص و عیب به مال امانی از باب مقدمه واجب استنباط می‌شود؛ زیرا تا امانت حفظ نشود، بازگرداندن آن ممکن نیست (التجفی، ۱۳۶۲، ج ۲۷، ص. ۱۰۱ - ۱۰۲). از دیگر احکام نیز، حرمت خیانت در امانت است که در آیات و روایات مختلف بدان اشاره شده است.



نکته قابل توجه آن است که احکام و مستندات امانت، عام و همه امانت‌ها اعم از مادی و معنوی و تمام افراد اعم از مسلمان یا کافر و نیکوکار یا فاسق را شامل می‌گردد و روایات اسلامی نیز بر ادای امانت به صاحب آن تأکید کرده‌اند، هرچند فاسق یا قاتل اهل بیت علیهم‌السلام باشد (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص. ۶۳۶؛ ۱۳۶۷، ج ۵، ص ۱۳۲-۱۳۳؛ شیخ حرّ عاملی، بی‌تا، ج ۱۹، ص. ۷۱-۷۶). بنابراین در اسلام امانت علاوه بر امور مادی، شامل امور معنوی نظیر تکالیف دینی، اطاعت و عبادت، رعایت حقوق مردم و سایر چیزهایی می‌شود که در حیطة وظایف یک مسلمان قرار دارد (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۸، ص. ۲۵۷) و این یک معنی عام و فراگیر است که تمام اقسام امانت را شامل می‌شود و از حیث احکام و آثار مترتب بر آن نیز تفاوتی بین امانت‌گذاران وجود نخواهد داشت؛ از این جهت امین موظف به برخورد علی‌السویه با هر امانت‌گذار است اعم از آن‌که مسلمان یا غیرمسلمان و زن یا مرد باشد. هر مسلمانی وظیفه دارد در هیچ امانتی نسبت به هیچ‌کس خیانت نکند، خواه صاحب امانت مسلمان باشد و خواه غیرمسلمان؛ این مهم در بیان شرایط امانت توسط بسیاری از فقها عنوان شده‌است، از جمله: «خیانت در امانت حرام و از گناهان کبیره است. اگر کسی امانتی را بپذیرد باید در نگهداری آن کوتاهی نکند و هروقت صاحب امانت از او بخواهد بازگرداند، خواه صاحب امانت مسلمان باشد یا غیرمسلمان.» (مکارم شیرازی، ۱۴۲۹ق، ص. ۳۸۵) بنابراین امانت در معنا و مفهوم شرعی آن، مفهومی عام است که اقسام مصادیق مادی و معنوی را شامل می‌شود و در اداء آن، تفاوتی میان امانت‌گذاران از حیث مسلمان بودن یا نبودن، و نیز مرد یا زن بودن نیست و در هر صورت، امین موظف به رعایت امانت می‌باشد.

از جمله امانت‌های با اهمیت در نظام اسلامی، مناصب و مقام‌های حکومتی در دست کارگزاران است که باید به‌عنوان یک ودیعه به آن نگریسته شود و از هرگونه استفاده شخصی یا هرکار منتهی به خیانت در این امانت خودداری گردد. در این خصوص امام علی علیه‌السلام در نامه‌ای به اشعث بن قیس - فرماندار حضرت در آذربایجان - ضمن یادآوری مسئولیت سنگین او فرموده‌است: «مطمئناً کاری که به تو سپرده شده نه لقمه‌ای چرب، بلکه بار امانتی در گردن توست که [در پاسداری از آن] باید مافوق خویش را پاسخگو باشی.»^۱

۱. «وَإِنَّ عَمَلَكَ لَيْسَ لَكَ بِطُعْمَةٍ وَلَكِنَّهُ فِي عُنُقِكَ أَمَانَةٌ وَأَنْتَ مُسْتَرْعَى لِمَنْ فَوْقَكَ ...» (نهج‌البلاغه، نامه ۵)

شاید همین نوع نگاه به مفهوم امانت و عقد ودیعه، زمینه‌ساز ورود بحث امانت فقهی در گستره حقوق عمومی در دوران مشروطه بود. یکی از مهم‌ترین ارکان و بازیگران نظام مشروطه‌خواهی قدیم، مفاهیم شرعی و نیز اهل شریعت هستند؛ چراکه رعایت احکام شریعت مستلزم ورود و دخالت اهل شریعت در عرصه سیاسی بود. بنابراین مفاهیم و مناسبات شرعی وارد نظام سیاسی شد و به‌عنوان یکی از اجزای نظام مشروطه‌خواهی ایفای نقش کرد (استرایی، ۱۳۹۵). براین اساس فقها را می‌توان به‌عنوان حقوق‌دانان تاریخی ایران در نظر گرفت که با دقت و باریک‌بینی خاصی به نوشتن الفاظ و عبارات مبادرت می‌کنند و با به‌کار بردن مفاهیم دقیق در مکتوبات خود، درواقع به آثار و نتایج خاص آن مفاهیم نظر دارند تا در صورت تخطی و نقض شرایط آن مفاهیم، ابزارهای حقوقی عواقب آن را نشان دهند (سلطانی، ۱۳۹۹، ص. ۱۸۸).

در نتیجه تلاش فقها در دوران مشروطه شاهد دو تفکر در حوزه اختیارات حکومت و رابطه میان مردم و حاکمان هستیم (سلطانی، ۱۳۹۹، ص. ۱۸۲-۱۸۷). اولین تفکر، که در اندیشه نائینی به‌عنوان نقطه گسست حکومت استبدادی از حکومت مشروطه در نظر گرفته می‌شود (نائینی، ۱۳۸۸، ص. ۴۴)، به حوزه‌ای از امر عمومی اشاره دارد که مربوط به جمیع افراد مملکت و از حوزه شخصی و اختیارات دل‌بخواخانه حاکمان خارج است. براین اساس حاکم جامعه که تا پیش از اندیشه مشروطه‌خواهی، مملکت و مافیها را ملک طلق خود می‌انگاشت و قدرت دولت را در جهت منافع شخصی خود به‌کار می‌برد، با پیدایش اندیشه مشروطه‌خواهی موظف بود تا مصالح نوع را در مرکز امور قرار دهد و امور عامه را به عموم مردم اختصاص دهد. براساس همین تفکر بود که «اصل العله و تمام السبب» مفاسد و عامل اصلی انحطاط مملکت، استقلال و استبداد دستگاه حاکم و وابستگی تحقق هر امری به «اراده ملوکانه» بود (محلای، ۱۳۷۴، ص. ۵۰۹).

در کنار این، تفکر دیگری هم وجود داشت که حکومت از جانب خداوند به پادشاه به‌عنوان ظل‌الله و نماینده خدا بر روی زمین اعطا شده بود. براین اساس شاه امانت‌داری بود که حکومت و رعایا از جانب خداوند به او به ودیعه سپرده شده بود و دیگر مالک محسوب نمی‌شد. بنابراین شاه به‌عنوان کارگزار و امانت‌دار خداوند می‌بایست نسبت به شرایط و لوازم امانت پایبند باشد و چنان‌چه در اداره آن مرتکب تعدی یا تفریط شود، از مقام امانت منعزل خواهد شد.

این درک از رابطه میان حاکمان و مردم در منابع مختلف مشروطه‌خواهی عنوان شده‌است. برای نمونه، مجدالملک سینیکی در رساله مجدییه می‌نویسد: «مگر نه رعیت





امانت خداست که به پادشاه سپرده و این ستم‌ها که به رعیت می‌شود مگر نه خیانت است به خداوند عزوجل.» (مجدالملک، ۱۳۲۱، ص. ۱۳-۲۹) مجدالملک به‌صراحت بیان می‌کند که رابطه عاریتی میان ملت و پادشاه نه تنها وجود دارد، بلکه از سیاق کلام او درمی‌یابیم که این رابطه حتی برای صاحبان حکومت و جمله مردم امری شناخته و پذیرفته شده‌است. بنابراین مردم موضوع این امانت الهی هستند و هرگونه ظلم و ستم به رعیت، عدم رعایت امانت و خیانت در آن محسوب می‌شود. در رساله *منهاج‌العلی* هم آمده‌است: «چرا اولیای آن دولت ... از استحکام کار خود و این ملت پاک که ودیعه خداوندی هستند تسامح و غفلت دارند ...» (زرگری‌نژاد، ۱۳۸۰، ص. ۲۵۱) ملاحظه می‌شود که در این‌جا نیز از ملت ایران با عنوان «ودیعه خداوندی» نام برده شده‌است. علاوه بر رسائل، در نامه‌های فقها نیز شاهد اندیشه امانی بودن حکومت هستیم. برای مثال، در نامه مورخ ۲ جمادی الاول ۱۳۲۱ ق. آمده بود: «رعیت همه ودیعه پروردگارانند و سپرده به سلطان اسلام.» (خراسانی، ۱۳۸۵، ص. ۱۵۸) و همین مفهوم - وجود چنین رابطه حقوقی‌ای میان شاه و رعیت - در نامه جمعی از فقهای بزرگ به شاه نیز به‌صراحت عنوان شده بود.

ملاحظه می‌شود که از جمله سازوکارهای نظام حقوق عمومی شرع، که به‌عنوان ابزاری برای ضمانت حق‌ها به‌کار گرفته می‌شد، مفهوم ودیعه یا امانت بود. نظریه ودیعه که در سال‌های منتهی به مشروطیت در تبیین رابطه میان شاه و مردم شکل گرفت، هرچند به‌نوعی برگرفته از نظریه راع و رعیت بود، اما قابل فروکاستن به آن نبود؛ چراکه ودیعه دارای یک وجه قراردادی است که مجموعه‌ای از مفاهیم و روابط دوسویه را موجب می‌شود. در ابتدا عقد ودیعه یا امانت به‌عنوان رابطه حقوقی میان خداوند و شاه تصور می‌شد، بدین معنا که شاه به‌منظور حفظ و نگهداری از مردم که امانت خدا محسوب می‌شدند، در برابر خداوند مسئول بود و می‌بایست شرایط این عقد امانی را رعایت و با موضوعات امانت (مردم) طبق شروط رفتار می‌کرد؛ در صورت تخلف از اجرای شرایط عقد مستوجب ضمانت اجراهایی بود که برای آن در نظر گرفته شده بود.

در نخستین متن قانون اساسی ایران نیز آمده‌است: «... رعایای دولت علیّه که ودیعه محترمه خداوند عادل یگانه است ...». بنابراین رعایا، ودیعه خداوند نزد شاه هستند و براین اساس شاه باید به این عهد وفا کند و اهلیت امانت نشان دهد و ودایع خداوند در پناه و در امان عدل و انصاف او از ظلم و ستم آسوده باشند. اما به مرور زمان طرف‌های عقد ودیعه دچار تحول شدند و هم‌زمان با زمزمه‌های مشروطه‌خواهی، عقد ودیعه که بیانگر

رابطه‌ای میان مردم و شاه بود، رابطه حقوقی را میان این دو رکن برقرار کرد (سلطانی، ۱۳۹۹ الف، ص. ۱۶ - ۱۸)، در اصل ۳۵ متمم قانون اساسی مشروطه نیز سلطنت ودیعه‌ای از جانب ملت برای شاه شد «سلطنت ودیعه‌ای است که از طرف ملت به شخص شاه مفوض شده.»

۴- «امانت نوعیه» در اندیشه نائینی

بحث امانت در اندیشه نائینی، آن جا که او مبنای حکومت مطلوب (ولایتیه) را بر امانت می‌گذارد، با بحث حکومت پیوند خورده است. در واقع نائینی در ترسیم اقسام حکومت آن را به دو نوع «تملیکیه» و «ولایتیه» تقسیم می‌کند که یکی از محققین این تقسیم‌بندی را سنگ بنای فقه مشروطه دانسته است (فیرحی، ۱۳۹۴، ص. ۱۱۱). به گفته نائینی در حکومت تملیکیه حاکمان «مانند آحاد مالکین نسبت به اموال شخصیه خود با مملکت و اهلیش معامله فرمایند.» (نائینی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص. ۴۱۷) نائینی این نوع حکومت را حکومتی استبدادی می‌داند که حاکم با مردم به مثابه اموال خود رفتار می‌کند، فلذا مخالف این نوع حکومت است؛ چراکه مالک نسبت به مال خود هرگونه اختیاری و توان انجام هرکاری نسبت به آن را دارد، بدون این که مسئولیتی در قبال آن داشته باشد و یا در مقابل کسی پاسخگو باشد.

نائینی اما در توضیح دومین نوع حکومت یعنی ولایتیه، با خارج نمودن رابطه حاکم و مردم از مالکیت می‌نویسد: در این حکومت «مالکیت و فاعلیت مایشاء اصلا در بین نباشد.» او سپس با پیوند زدن این شق از حکومت با مفهوم امانت می‌گوید: «ولایت بر اقامه وظایف راجعه به نظم و حفظ مملکت نه مالکیت. و امانتی است نوعیه در صرف قوای مملکت که قوای نوع است در این مصارف، نه در شهوات خود. و از این جهت اندازه استیلائی سلطان به مقدار ولایت بر امور مذکوره محدود و تصرفش چه به حق باشد یا به اغتصاب، به عدم تجاوز از آن حد مشروط خواهد بود. آحاد ملت با شخص سلطان در مالیه و غیرها از قوای نوعیه شریک و نسبت همه به آنها متساوی و یکسان و متصدیان امور همگی امین نوع اند نه مالک و مخدوم.» (نائینی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص. ۴۱۹)

ملاحظه می‌شود نائینی با چه دقت و ظرافتی، حکومت مطلوب ولایتیه را ترسیم و حدود و ثغور آن را مشخص کرده است؛ حکومت مطلوب در نظر او فقط به مصالح نوعیه می‌پردازد و با اجتناب از دخالت در امور شخصی مردم، خود را مالک کشور تلقی نمی‌کند. او این مصالح را با مفهوم امانت هم ارتباط داده است و عدم رعایت مصالح نوعیه را خروج از وظیفه نگهبانی و «خیانت به نوع» می‌داند (نائینی، ۱۳۸۰، صص. ۲۷ - ۳۰). به این ترتیب





در نگاه او، نوع اول حکومت یعنی استبدادی بر دوش مالکیت و نوع دوم یعنی ولایتیه بر نظریه امانت قرار گرفته‌است. او ابتدا تاکید می‌کند که این نوع حکومت امانت است و برخلاف حکومت قبلی از نوع مالکیت نیست، براین اساس مفهوم فقهی امانت را برای پایه‌ریزی حکومتی عاری از استبداد و مالکیت به کار می‌گیرد و در استفاده از این مفهوم قطعاً به احکام و آثار خاص آن نیز نظر داشته‌است.

نائینی به دنبال آن بود که با تشبیه حکومت به امانت، آن را محدود به موازینی کند که در رعایت یک مال امانی از امین انتظار می‌رود. از جمله این موازین آن است که امین اولاً تصرف دل‌بخوانانه در مال امانی (حکومت) ندارد و موظف به رعایت حد و حدود اختیارات خویش است (که همان وظایف نظم و حفظ مملکت می‌باشد) و ثانیاً در صورت تعدی و تفریط، هم مسئولیت کیفری از باب خیانت در امانت و هم مسئولیت حقوقی رد مال و عزل از امانت دارد که در فقه در باب ودیعه به بحث گذاشته می‌شود. آخوند خراسانی زعمی شیعیان آن عصر نیز تأملاتی از این دست دارد. او در جایی مردم را ودیعه خداوند به شاه اعلام می‌کند (خراسانی، ۱۳۸۵، ص. ۱۵۸) و در جای دیگری مردم را مالکانی می‌داند که به حاکم، تفویض مالکیت می‌کنند (خراسانی، ۱۳۸۵، ص. ۲۸۸).

نائینی پس از طرح مسئله امانت و حدود اختیارات حاکم، از مساوات و برابری آحاد جامعه با حاکم سخن می‌گوید. وی حکومت ولایتیه را «امانتی نوعیه» می‌داند که نتیجه آن «استیلائی سلطان به مقدار ولایت» و نیز «مساوات آحاد ملت با شخص سلطان» است. به منظور فهم این منظومه لازم است تا با مفاهیم «نوعیه» و «مساوات» در اندیشه نائینی بیشتر آشنا شویم تا بر پایه آن به درک درست‌تری از مفهوم امانت و برابری دست یابیم.

نوع و نوعیه در ادبیات نائینی مفاهیمی هستند که به کرات به چشم می‌خورند.^۱ نوع در لغت به معنای گونه، قسم، جور، گروه، دسته، کیفیت و غیره آمده‌است و نوعیه نیز در واقع منسوب به نوع است. اما نوع در علم منطق اصطلاحی است که ذیل مبحث کلیات خمس مطرح می‌شود و دلالت بر مفهومی کلی دارد که عین ذات و تمام ماهیت افراد خود می‌باشد و در نظر آوردن آن مساوی است با در نظر آوردن تمام ذات افرادش.

۱. برای دیدن توضیحی از مفهوم نوع در اندیشه نائینی رک: مرادخانی، ف. (۱۴۰۰) جهات مشترکه عمومی در اندیشه نائینی، علوم سیاسی، ۲۴ (۹۳)، صص. ۶۰-۶۵.

اصطلاح نوع و نوعیه در تنبیه/الامه در ترکیب‌های متعددی به کار رفته است مانند: وظایف نوعیه، قوای نوعیه، حقوق مشترکه نوعیه، مصالح نوعیه، امانت نوعیه، ولی نوعی، خیانت به نوع، نظامات نوعیه، وظایف لازمه نوعیه، حقوق واجبه نوعیه، امور نوعیه، سایر نوعیات مملکت، ولایات نوعیه، نوع امت، جمیع نوعیات، سیاسات نوعیه، مصارف لازمه نوعیه، جامعه نوعیه، رابطه نوعیه و مرجحات نوعیات. در این نوشتار مجال پرداختن به همه این مفاهیم وجود ندارد، اما آنچه به طور خلاصه و به عنوان نقطه مشترکی از مفهوم نوعیه باید بدان توجه داشت آن است که مفهوم نوعیه در همه موارد به موضوعات مشترک میان همه افراد جامعه اشاره دارد. در نتیجه «نوعی» در برابر «شخصی» و «خصوصی» قرار می‌گیرد و آثاری بر این مفهوم مترتب می‌شود؛ از جمله این که موضوع نوعی به جمیع اشخاص مرتبط با آن بازمی‌گردد، فلذا یک فرد به تنهایی نمی‌تواند راجع به آن تصمیم بگیرد، بلکه بایستی آن موضوع بنا بر نظر مجموع افراد انجام شود؛ هم‌چنین ارتباط آن موضوع نوعی با همگان، از این حیث که هیچ‌کس اختیار بیشتری از دیگری ندارد، اقتضای مساوات، یکسانی و برابری افراد مرتبط را دارد.

براین اساس هنگامی که نائینی سلطنت را «امانت داری نوع» می‌داند، در واقع جمیع افراد مملکت را در امر حکومت و حکمرانی صاحب حق در نظر می‌گیرد که از این جهت همه آن‌ها با هم برابر هستند - حتی اگر در امور شخصیه متفاوت باشند - و همه آن‌ها این حق خود را به عنوان امانت به حاکم جامعه تفویض کرده‌اند. در این نقطه مفهوم «نوعیه» و «برابری» هم‌نشین می‌شوند و به باور نویسندگان، نائینی بیش از هر چیز از نوع، نوع انسان را می‌فهمید و از ترکیب این مفاهیم به دنبال طرح مسئله برابری بود. از این‌رو از «مساوات در قوا و حقوق و سایر نوعیات» (نائینی، ۱۳۸۰، ص. ۴۶) و «مساوات در تمام نوعیات» (نائینی، ۱۳۸۰، ص. ۴۵) یاد می‌کند و بر این باور است که احاد ملت با همدیگر و با شخص والی در جمیع نوعیات مساوات دارند (نائینی، ۱۳۸۰، ص. ۸۹). در واقع نائینی تا حد امکان کوشش دارد که از کلمات عموم و نوع استفاده کند تا همه افراد یک جامعه را فارغ از جنس، طبقه، مذهب، دین و سایر جهاتی در نظر بگیرد که موجب تفاوت اشخاص می‌شود و افراد را - اگرچه در جهاتی با هم متفاوتند - اما در آن جایی که مشترکند، برابر تلقی کند که به باور ما یکی از نکته‌های مهم در اندیشه اوست.

به این ترتیب امانت نوعیه نیز اشاره به امانتی دارد که از جانب نوع/همه افراد جامعه به شخص حاکم یا متصدیان جامعه سپرده شده است و یکسان بودن حق همه افراد جامعه





در این امانت، مساوات و برابری آن‌ها با هم نتیجه حتمی و مسلم چنین پیش فرضی است.

۵- نسبت میان مفهوم امانت و برابری در اندیشه نائینی

در سطور پیشین ملاحظه گردید که نائینی سلطنت ولایتیه را، که حکومت مطلوب او است، بر مبنای امانت و برابری نوع مردم با شخص حاکم بنا می‌نهد. هم‌چنین گفته شد که نائینی در طرح این مباحث، مفهوم امانت را از فقه خصوصی وام گرفته است تا نشان دهد حاکمان و کارگزاران مملکت، مالک امکانات و قوای مملکت نیستند، بلکه هم‌چون امنایی هستند که این قوا را عاریتاً در اختیار دارند. بنابراین به‌مانند سایر امنای محدود به رعایت مصالح مال امنایی و پرهیز از تعدی و تفریط می‌باشند. نویسندگان بر این باورند که استفاده از مفهوم امانت در خصوص حکومت، علاوه بر آثار پیش گفته، دارای اثر دیگری نیز می‌باشد که عبارت است از لزوم رعایت برابری میان جمیع افراد مملکت؛ چراکه همه افراد مملکت در سپردن امور حکومتی به طبقه حاکم برابر هستند و از این‌رو حکومت نیز بایستی این برابری را به رسمیت بشناسد.

همان‌گونه که ملاحظه شد، برابری در اندیشه نائینی از جایگاه بسزایی برخوردار است. او از یک‌سو برابری میان حاکمان و شهروندان را بیان می‌کند و از سوی دیگر، خود شهروندان را، از آن جهت که در حقوق مشترک نوعیه و نیز پرداخت مالیات برابرند، در عرصه امور سیاسی برابر می‌داند.^۱ بنابراین در نگاه نائینی، ابنای مملکت در زمینه امور سیاسی و اجتماعی با یکدیگر برابرند.

به نظر می‌رسد نائینی با استفاده از مبحث مفهوم امانت در فقه خصوصی و شرایط و آثار آن، حکومت و اختیارات ناشی از آن را نیز به‌مثابه مفهوم امانت در نظر می‌گیرد که همان آثار خاص بر آن جاری و ساری است. هر امانتی سه رکن امین، امانت‌گذار و مال امنایی دارد؛ طبق آثار امانت، امین مجاز نیست که از حدود تعیین‌شده در نگهداری از مال امنایی تجاوز کند، در صورت تعدی و تفریط، از مقام امانت معزول خواهد بود. هم‌چنین از دیگر شروط مطرح‌شده در بحث امانت آن است که در رعایت امانت، تفاوتی میان انواع امانت‌گذاران نیست و امانت‌گذار هرکسی که باشد - اعم از مسلمان یا غیرمسلمان، و نیز

۱. برای توضیحات بیشتر ر.ک. صادقیان، م. (۱۳۹۷). پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مفاهیم حقوق عمومی در اندیشه محقق نائینی، دانشگاه بوعلی سینا همدان.

مرد یا زن - امین موظف است مال امانی را به دقت و در حوزه تعیین شده حفظ و صرف کند.

حال باید دید که در بحث حکومت ارکان امانت کدامند؟ به نظر می‌رسد می‌توان نسبت به دو رکن نظر قطعی داشت؛ مال امانی همان حکومت و قوای مربوط به آن است که به امانت نزد حاکمان گذاشته می‌شود. امین یا امانا نیز متصدیان حکومت و حاکمان هستند که به نیابت از امانت‌گذار، وظیفه حفظ و اداره قوای مملکت را برعهده دارند. اما تنها چالشی که می‌توان مطرح کرد در خصوص رکن سوم این امانت، یعنی امانت‌گذار یا امانت‌گذاران است. باید دید چه کسی مالک و صاحب اصلی حق حکومت تلقی می‌شود و حکومت از جانب چه کسی به حکمرانان ممالک به امانت سپرده می‌شود؟ آیا این مردم هستند که مالک اصلی و حقیقی حق حکومت شناخته می‌شوند یا حکومت متعلق به خداست و از سوی خداوند به حکمرانان سپرده شده‌است؟

متفکران مختلف پاسخ‌های متعددی به این سؤالات داده‌اند. ما در این نوشتار به دنبال استنباط و دستیابی به اندیشه سیاسی - حقوقی نائینی و درک او از این مسائل هستیم. بنابراین باید دید حقیقت سلطنت در اندیشه نائینی چیست؟ نائینی حقیقت سلطنت را امانت‌داری می‌داند و بیان می‌کند:

سلطنت مجموعه در هر شریعت و بلکه نزد هر عاقل، چه به حق تصدی شود یا به اغتصاب، عبارت از «امانت‌داری نوع و ولایت بر نظم و حفظ و اقامه سایر وظایف راجعه به نگرهبانی» خواهد بود، نه از باب قاهریت و مالکیت و دل‌بخواهانه حکمرانی در بلاد و فیما بین عباد؛ و فی‌الحقیقه از قبیل تولیت بعض موقوف علیهم در نظم و حفظ موقوفه مشترکه و تسویه فیما بین ارباب حقوق و ایصال هر ذی‌حقی به حق خود است، نه از باب تملک دل‌بخواهانه و تصرف شخص متصدی؛ و از این جهت است که در لسان ائمه و علمای اسلام سلطان را به ولی و والی و راعی. (نائینی، ۱۳۸۸، صص. ۷۰ - ۷۱)

ملاحظه می‌شود که نائینی حکومت را - هر چه که باشد - عبارت از «امانت‌داری نوع» و به مثابه «تولیت بعض موقوف علیهم» می‌داند، و پیش‌تر گفتیم که «نوع» و «نوعیه» در اندیشه نائینی برای اشاره به عموم مردم جامعه به کار رفته‌است. علاوه بر این می‌توان به موارد دیگری اشاره کرد، از جمله آن‌که نائینی در بحث از سلطنت ولایتیه اذعان می‌دارد: در این حکومت «متصدیان امور، همگی امین نوعند نه مالک و مخدوم و مانند سایر امانا و اجرا در قیام به وظیفه امانت‌داری خود، مسئول ملت و به اندک تجاوز



مأخوذ خواهند بود؛ و تمام افراد اهل مملکت به اقتضای مشارکت و مساواتشان در قوی و حقوق، بر مؤاخذه و سؤال و اعتراض قادر و ایمن...» (نائینی، ۱۳۸۸، ص. ۴۶) در این جا نیز متصدیان امر حکومت، «امین نوع» عنوان شده‌اند. نائینی هم‌چنین در جای دیگری اصل و ریشه حکومت اسلامی را امانت عنوان می‌داند: «علی کلّ حال، رجوع حقیقت سلطنت اسلامی، بلکه در جمیع شرایع و ادیان، به باب امانت و ولایت احد مشترکین در حقوق مشترکه نوعیه، بدون هیچ مزیت برای شخص متصدی، و محدودیت آن [از تبدیل] به مستبدانه تحکم و دل‌بخوانانه قهر و ارتکاب نداشتن...» (نائینی، ۱۳۸۸، ص. ۷۲)

نائینی مجموعه‌ای از حقوق تحت عنوان «حقوق مشترکه نوعیه» را متعلق به نوع مردم می‌داند و حاکم نیز به‌عنوان فردی از افراد دارای این حقوق، مسئولیت اداره آن را امانتاً به عهده گرفته‌است و میان او با سایر افراد ذی‌حقوق تفاوتی نمی‌باشد. نائینی در اشاراتش، هرگز رجوع حق حکومت و قوای مشترکه نوعیه را به خداوند نمی‌داند و همواره از واژه «نوع» استفاده می‌کند و براین اساس می‌توان ادعا کرد که نائینی مالک و صاحب اصلی حق حکومت را نوع مردم می‌داند که حق خود را عاریتاً به حاکمان سپرده‌اند.

نتیجه

یکی از مهم‌ترین دستاوردهای جنبش مشروطه‌خواهی در ایران، تبیین حقوق اساسی ملت و تحدید اختیارات حاکمیت و تبدیل سلطنت مطلقه به سلطنت مشروطه و به‌عبارتی مشروط‌نمودن قدرت سیاسی به قانون بود. براین اساس اختیارات پادشاه، محدود و بسیاری از صلاحیت‌های حاکمیتی به نهادهای قانونی واگذار شد. منشأ قدرت پادشاه نیز که تا پیش از آن آسمانی تعریف می‌شد و نسبتی با ملت نداشت، در اصل (۳۵) متمم قانون اساسی با این تعبیر «سلطنت موهبتی الهی است که از طرف مردم به‌شاه به ودیعه داده شده‌است»، به مردم منتسب شد و بدین ترتیب نقش مردم در تعیین حکومت و ترکیب حاکمیت مورد تأکید قرار گرفت. چنین دستاوردهایی حاصل تلاش‌های فکری متفکرانی است که در پی پیشرفت و اعتلای جامعه ایران از دوران سنت به دوران جدید بودند، و نائینی از مهم‌ترین و اثرگذارترین آنان بود.

یکی از مهم‌ترین تلاش‌های فکری مرحوم نائینی، بسط مفاهیم حقوق خصوصی و فقه در حقوق عمومی است که ازجمله این مفاهیم، حکومت است که نائینی با برهم‌زدن رابطه یک طرفه موجود، شکل جدیدی از حکومت را معرفی می‌کند که مبتنی بر یک

رابطه دوسویه است. وی برای توضیح این مفهوم از عقود مختلف فقهی مانند عقد وقف و امانت کمک می‌گیرد. او با پیوندزدن شکل مطلوب حکومت، که تحت عنوان سلطنت ولایتیه معرفی می‌کند، با مفاهیمی هم‌چون امانت و مساوات، تلاش می‌کند تا حکومت مطلوب اسلامی را به‌گونه‌ای ترسیم نماید که از یکسو مبتنی بر امانت باشد و ازسوی دیگر رعایت برابری و مساوات جزء لاینفک آن قلمداد شود. بنابراین حکومت مطلوب مبتنی بر اسلام در اندیشه نائینی آن حکومتی است که براساس امانت نوعیه پایه‌گذاری شده باشد، بدین معنا که حق حکمرانی به‌مثابه امانتی ازسوی مردم به حاکمان و متصدیان امر واگذار شده‌است و این امر آثار و اقتضائاتی را به‌دنبال دارد؛ ازجمله مفروض گرفتن فرض برابری میان همه آحاد ملت، لزوم پاسخگویی و مسئولیت حاکمان درقبال تصدی امر حکومت و هم‌چنین امکان عزل و برکناری حاکمان درصورت تعدی یا تفریط. با در نظر گرفتن چنین فرضی، حکومت معادل امانتی قلمداد می‌شود که ازسوی مردم به حاکمان سپرده شده‌است و براین‌اساس حاکمان موظف به رعایت امانت، پرهیز از تعدی و تفریط و پاسخگویی درمقابل امانت‌گذاران (نوع مردم) هستند.

نویسندگان بر این باورند که معادل قراردادن امانت برای حکومت، علاوه بر آثار و اقتضائات پیش‌گفته، اثر دیگری را نیز به‌دنبال دارد و آن عبارت است از لزوم رعایت برابری میان همه شهروندان به‌مثابه امانت‌گذاران. در توضیح این مدعا باید گفت، هرچا نائینی از حکومت مطلوب و امانی‌بودن آن سخن گفته‌است، به بحث مساوات آحاد مردم نیز اشاره داشته‌است و آن را یکی از ارکان اساسی حکومت ولایتیه می‌داند. ازسوی دیگر، با توجه به شرایط امانت در فقه اسلامی، فرد امین موظف به رعایت امانت است، فارغ از آن‌که امانت‌گذار مسلمان باشد یا غیرمسلمان و زن باشد یا مرد. بنابراین در بحث امانت، نوعی مساوات از جهات مختلف دینی و جنسیتی برای امانت‌گذاران لحاظ شده‌است. با توجه به این موارد به نظر می‌رسد که تعبیر دقیق امانت برای حکومت در اندیشه نائینی نیز بی‌سبب نبوده‌است و نائینی با آگاهی نسبت به آثار و پیامدهایی که چنین معادل‌سازی‌ای به‌دنبال دارد به آن مبادرت ورزیده‌است. در نتیجه می‌توان لزوم رعایت برابری میان شهروندان را، به‌عنوان امانت‌گذارانی که حق حکومت خود را به امانت به حاکمان سپرده‌اند، استنباط کرد و با توجه به منظومه فکری نائینی، حاکمان را ملزم به رعایت مساوات و برابری میان شهروندان مختلف جامعه، اعم از مسلمان و غیرمسلمان و زنان و مردان دانست؛ چرا که همه این افراد در سپردن حق خود به حاکمان برابرند. علاوه





بر دلایل پیش گفته، می‌توان به جایگاه و شأن اصل برابری در اندیشه نائینی نیز اشاره کرد و آن را به‌عنوان مؤیدی برای ادعای فوق در نظر گرفت، که البته تفصیل این بحث از گفتار حاضر خارج است و پیشتر در منابع دیگری مورد توجه و بحث قرار گرفته‌است.^۱

رعایت امانت را می‌توان به‌عنوان یکی از مبانی نظام حقوق عمومی در اندیشه اسلامی در نظر گرفت که همین مهم می‌تواند راهگشای بسیاری از مسائل و مشکلات پیش‌روی نظام اسلامی باشد. برای تأملات جدی در حوزه فقه حکومتی باید ابتدا مبانی و قواعدی را از درون تراث اسلامی استخراج نمود و سپس آن را در یک نظام حقوقی، ساخته و پرداخته کرد. در نظام اسلامی حاکمیت بر مردم و عهده‌داری مسؤولیت به‌مثابه امانتی الهی است که با توجه به شایستگی افراد باید به آن‌ها واگذار شود. مدیران و کارگزاران، نه تنها خود باید امانتدار حاکمیت و مسؤولیت باشند و به اموال عمومی دست‌درازی نکنند، بلکه باید زیردستان و کارگزاران تحت مدیریت خود را نیز نسبت به این امر و امانت‌بودن مسؤولیت‌ها هشدار دهند. علاوه بر این نتایج، که به‌دنبال شناسایی و اعمال اصل امانت حاصل می‌شود، در نوشتار حاضر تلاش شد لزوم رعایت برابری میان آحاد شهروندان نیز با تکیه بر مفهوم امانت و به‌عنوان نتیجه دیگری برای رعایت امانت تبیین گردد. بنابراین می‌توان با تکیه بر اندیشه‌های بزرگانی چون محقق نائینی و برجسته‌سازی مفاهیم راهگشایی هم‌چون مفهوم امانت، شاهد رفع مشکلات حقوقی و سیاسی جامعه کنونی از طریق تصدی و انتصاب شایسته مقام‌های حاکمیتی، رعایت حقوق شهروندان و اعمال برابری میان آن‌ها بود.

۱. برای نمونه ر.ک.: صادقیان، م. (۱۳۹۷). پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مفاهیم حقوق عمومی در اندیشه محقق نائینی، دانشگاه بوعلی سینا همدان. نگارنده در این پایان‌نامه مفهوم برابری را به‌عنوان یکی از مفاهیم حقوق عمومی، به تفصیل در اندیشه محقق نائینی بررسی کرده‌است.

منابع

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه.
- استرایر، ژ. (۱۳۹۵). تاریخ دولت مدرن در قرون وسطی. (مترجم: ح. بادامچی). تهران: نگاه معاصر.
- کلینی، م. (۱۳۶۵). الکافی. (ج ۲). (محقق: ع.ا. غفاری). طهران: دارالکتب الاسلامیه.
- کلینی، م. (۱۳۶۷). الکافی. (ج ۵). (محقق: ع.ا. غفاری). طهران: دارالکتب الاسلامیه.
- النجفی، محمدحسن (۱۳۶۲ش)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، به تحقیق علی آخوندی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- راغب اصفهانی، ح. (۱۳۸۱). المفردات فی غرایب القرآن. (محقق: م. سیدگیلانی). بیروت: دارالمعرفه.
- خراسانی، م.ک. (۱۳۸۵). سیاست نامه خراسانی. تهران: کویر.
- زرگری نژاد، غ.ح. (۱۳۸۰). رسایل سیاسی قاجار. تهران: کتابخانه ملی.
- طباطبایی فر، م. (۱۳۹۴). نظام های سلطانی در اندیشه سیاسی شیعه. تهران: نشر نی.
- فیرحی، د. (۱۳۸۵). قدرت دانش و مشروعیت در اسلام. تهران: نشر نی.
- فیرحی، د. (۱۳۹۴). آستانه تجدید (در شرح تنبیه الامه و تنزیه المله). تهران: نشر نی.
- فیومی مقری، ا. (۱۹۸۷م). المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی. بیروت: مکتبه لبنان.
- کسروی، ا. (۱۳۵۶). تاریخ هجده ساله آذربایجان یا سرنوشت گردان و دلیران. تهران: امیرکبیر.
- مجدالملک، م. (۱۳۲۱). رساله مجدییه. (مصحح: س. نفیسی). تهران: چاپخانه بانک ملی.
- مجلسی، م.ب. (۱۴۰۳ق). بحار الانوار. (ج ۷۸). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- محلّاتی، م.ا. (۱۳۷۴). اللّٰتالی المربوطه فی وجوب المشروطه. (به کوشش: غ.ح. زرگری نژاد). تهران: کویر.
- حرّ عاملی، م. (بی تا). وسائل الشیعه. (ج ۱۹). قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحیاء التراث.
- معین، م. (۱۳۸۳). فرهنگ معین. (ج ۱). تهران: بوستان توحید، فرهنگ ماهرخ.
- مکارم شیرازی، ن. (۱۴۲۹ق). رساله توضیح المسائل. (چاپ پنجاه و دوم). قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابیطالب علیه السلام.



نائبینی، م.ح. (۱۳۸۰). *تنبيه الامه و تنزيه المله*. (به كوشش: س.ح.ر. محمودزاده). تهران: انتشارات اميركبير.

نائبینی، م.ح. (۱۳۸۸). *تنبيه الامه و تنزيه المله*. (مصحح: س.ج. ورعی). قم: بوستان كتاب.

نائبینی، م.ح. (۱۳۹۰). *تنبيه الامه و تنزيه المله*. (به كوشش: غ. زرگري نژاد). (چاپ دوم، ج ۲). تهران: موسسه تحقيقات و توسعه علوم انساني.

سلطاني، س.ن. (۱۳۹۹الف). عناصر نخستين قانون اساسی ايران؛ اصول حكومت قانون. پژوهش‌های حقوقی، ش. ۴۲، صص. ۳۰ - ۷.

سلطاني، س.ن. (۱۳۹۹ب). پيدایش مفهوم امر عمومي در مشروطيت. مطالعات حقوقی، ۱۱۲(۱)، صص. ۲۰۱-۱۷۶.

قربی، س.م.ج.؛ رفيع، ح. (۱۳۸۸). عالمان دين در آوردگاه مشروطه. زمانه، ش. ۸۶ - ۸۷.

مبيّض، م.س. (۱۳۷۹). گزارش يك كتاب، «*اخلاق المسلم و كيف نربّي أبناءنا عليها*». م. احساني (گزارشگر). مسائل کاربردی تعليم و تربيت اسلامي، ش. ۲، صص. ۲۸۳ - ۳۰۴.



References

The Holy Quran.

Nahj al-Balagha.

Fayyūmī Muqrī, A. (1978). *Al-Miṣbāḥ al-munīr fī gharīb al-sharḥ al-kabīr li-l-Rāfiʿī*. Beirut: Maktabat al-Lubnān. [In Arabic]

Feirahi, D. (2006). *Power of knowledge and legitimacy in Islam*. Tehran: Ney. [In Persian]

Feirahi, D. (2015). *Threshold of modernity (commentary on Tanbīh al-umma wa-tanzīh al-milla)*. Tehran: Ney. [In Persian]

Ghorbi, S. M. J. and Rafi, H. (2009). Religious scholars in the battlefield of constitutionalism. *Zamaneh* (no. 86-87). [In Persian]

Ḥurr ʿĀmilī, M. n.d. *Wasāʿil al-Shīʿa*. Vol. 19. Qom: Muʿassasa Al al-Bayt ʿalayhim al-salam li-Ihyaʿ al-Turath. [In Arabic]

Kasravi, A. (1977). *Eighteen years of Azerbaijan history, or the fate of heroes and the brave*. Tehran: Amir Kabir. [In Persian]

Khurāsānī, M. K. (2006). *Khurāsānī letter of politics*. Tehran: Kavir. [In Persian]

Kulaynī, M. (1986). *Al-Kāfi*, A.A. Ghaffari, (Ed.). Vol. 2. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyya. [In Arabic]

Kulaynī, M. (1988). *Al-Kāfi*, A.A. Ghaffari, (Ed.). Vol. 5. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyya. [In Arabic]

Mahallati, M. A. (1995). *Al-Liʿāli al-marbūṭa fī wujūb al-mashrūṭa*, Gh. H. Zargarinezhad (Ed.). Tehran: Kavir. [In Arabic]

Majd al-Mulk, M. (1942). *Majdiyya essay*, S. Nafisi (Ed.). Tehran: National Bank Press. [In Persian]

Majlisī, M. B. (1982). *Biḥār al-anwār*. Vol. 78. Beirut: Dar Ihyaʿ al-Turath al-ʿArabi. [In Arabic]

Makarem Shirazi, N. (2008). *Essay of fatwas*. Qom: Publications of Imam ʿAli ibn Abi Talib Seminary School. [In Persian]

Mobayyez, M. S. (2000). A book review, “ethics of the Muslim and how we should raise our children on its basis” (reviewed by M. Ehsani). *Journal of Applied Issues in Islamic Education* (no. 2), 283-304. [In Persian]

Moin, M. (2004). *Moin dictionary*. Vol. 1. Tehran: Boostan Towhid, Farhang Mahrokh. [In Persian]

Nāʿinī, M. H. (2001). *Tanbīh al-umma wa-tanzīh al-milla*, Gh.

- Zargarinezhad (Ed.). Vol. 2. Tehran: Institute for Research and Development of Human Sciences. [In Persian]
- Nā'inī, M. H. (2001). *Tanbīh al-umma wa-tanzīh al-milla*, S. H. R. Mahmudzadeh (Ed.). Tehran: Amir Kabir. [In Persian]
- Nā'inī, M. H. (2001). *Tanbīh al-umma wa-tanzīh al-milla*, S. J. Varae (Ed.). Qom: Boostan Ketab. [In Persian]
- Najafī, M. H. (1983). *Jawāhir al-kalām fī sharḥ sharā'i' al-islām*, A. Akhundi (Ed.). Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-'Arabi. [In Arabic]
- Raghib Iṣfahānī, H. (2002). *Al-Mufradāt fī gharā'ib al-Qur'ān*, M. Sayyid Gilani (Ed.). Beirut: Dar al-Ma'rifa. [In Arabic]
- Soltani, S. N. (2020a). Elements of the first Iranian constitution; principles of the rule of law. *Legal Research* (no. 42), 7-30. [In Persian]
- Soltani, S. N. (2020b). Emergence of the notion of the public in constitutionalism. *Legal Studies* (12, no. 1), 176-201. [In Persian]
- Strayer, J. (2016). *On the Medieval Origins of the Modern State* (H. Badamchi, Trans.). Tehran: Negah-e Moaser. [In Persian]
- Tabatabaeefar, M. (2015). *Monarchical systems in the Shiite political thought*. Tehran: Ney. [In Persian]
- Zargarinezhad, Gh. H. (2001). *Qajar political essays*. Tehran: National Library. [In Persian]